

استاد در نگاه عرفانی

مجتبی مطهری الهامی
عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی

سوره حشر آیه ۲۴

چکیده

مقاله حاضر سیری است اجمالی و کوتاه در زندگی تحصیلی استاد و متفکر شهید شیخ مرتضی مطهری (ره) در عین حال با نگاهی ژرف و باطنی، سعی نگارنده بر آن بوده است تا در این سیر که از آغاز تا پایان دوران تحصیلی، انجام شده است به راز و رمز زندگی او و نیز اسرار پیشرفت و موفقیت او دسترسی پیدا کند سری که با ماندگاری شخصیت وی پیوندی عمیق دارد از آن جهت که وی را نه تنها در فرهنگ اسلامی بلکه به عنوان چهره‌ای برجسته و جهانی در فرهنگ انسانی و جهانی نیز مطرح نموده و نفوذ اندیشه او را تا اعماق فکر انسان‌ها سیر داده و او را محبوب دلها کرده است.

واژه کلیدی: کودکی/تحصیل/معرفت/تهذیب/صفای باطن/حکمت ذوقی/حکمت متعالیه/
عرفان/سحر خیزی/عشق/شهادت

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یادگاری که در این گنبد دوار بماند

حافظ

در اواخر بهمن ماه ۱۲۹۸ هجری شمسی در فریمان از توابع استان خراسان / در ایران / کودکی در یک خانواده روحانی چشم به جهان گشود، که وی را مرتضی نامیدند. دوران کودکی وی با صفای باطنی که از ویژگی های این دوران است، همراه بود. هرچند وی بخاطر برخورداری از تربیت معنوی و هوش فطری / در میان کودکان نیز جاذبه ای خاص داشت. مرتضی از همان دوران کودکی علاقه و شوری وافر به تحصیل علم و معرفت در زوایای روح خویش احساس می کرد.^۱

در اوایل نوجوانی (۱۳۱۱ هجری شمسی) برای تحصیلات مقدماتی به حوزه علمیه مشهد عزیمت کرد. از خاطرات خوش این دوره، آشنایی وی با حکیم، میرزای مهدی آشتیانی بود که از حکمای برجسته عصر خویش به شمار می رفت.

وی از همان دوران نوجوانی ذوق و کشش زیادی نسبت به موضوعات الهیات دین حکمت - عرفان در عمق ضمیر خویش می یافت. همواره حکیمان/عارفان در افق های وی در قله ای بسیار بلند قرار داشتند و در خلوت تفکرات و آرزوهای خویش، «پیوسته در این امور سیر می کرد».

در سال (۱۳۱۶ هجری شمسی) در سن هفده سالگی برای ادامه تحصیلات / علوم و معارف دینی به حوزه علمیه (شهر مقدس قم) هجرت نمود. در عنفوان جوانی (۱۳۲۱ هجری شمسی) در همین شهر بود که تجسم و آمال و آرزوهای خویش را در یک شخصیت (قدسی) و ملکوتی یافت. این حکیم و عارف ربانی که به تعبیر خودش روح قدسی الهی بود، و روح تشنه وی از درس حکمت و عرفان او سالها (۱۳۲۱-۱۳۳۱ هجری شمسی) کسب فیض نمود و این گوهر الهی کسی جز حضرت امام خمینی (ره) نبود که برای استاد حالتی مرادگونه داشت او خود در تشبیه، رابطه میان خود و استادش را همچون رابطه مولانا و شمس تبریزی بیان می کند.

این سخن جانم بر تافته است بوی پیراهن یوسف بافته است

در اواخر همین دوران (۱۳۲۹-۱۳۳۱ هجری شمسی) باردیگر تجلی پرواز اندیشه و خیال خویش را در وجود یگانه حکیم متاله عصر و زمان خویش حضرت علامه طباطبایی (ره) یافت و از درس حکمت و تفسیر ایشان بهره ها برد. وی از استادش حضرت علامه طباطبایی (با عبارت استادنا الاکرم (روحی فداء) یاد می نمود. در زمینه درس فقه و اصول نیز (سال های ۱۳۳۱-۱۳۲۳) هجری شمسی از درس خارج (مرجع بزرگ معاصر) حضرت آیت العظمی بروجردی (ره) استفاده فراوان کرد و خود به درجه اجتهاد رسید.

از خاطرات دلنشین دوران تحصیل در قم، آشنا شدن با یک شخصیت قدسی و عارف ربانی دیگر مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی (ره) و استفاده از درس معنوی نهج البلاغه وی بود. استاد در طول تحصیلات خویش در حوزه علمیه قم با الهام از اساتید خویش لحظه ای از تهذیب نفس و سلوک معنوی و مراقبه غافل نبود.^۲

دست تقدیر الهی حکیم شهید ما را به تهران کشاند (۱۳۳۱ هجری شمسی) و در همین دوران و به همراه با استادش حضرت علامه طباطبایی توفیق یافت یک دوره مختصر حکمت الهی و اسلامی را/با توجه به مقایسه با فلسفه مادی و غربی و نقد آن به رشته تحریر در آورد. کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم که از شاهکارهای علامه طباطبایی به شمار می رود با شرح نفیس استاد شهید مرتضی مطهری زینت یافته است. این کتاب ارزش حکمت الهی و اسلامی و حقانیت آن را در مجامع علمی جهان ثابت نمود. و از همین طریق حقانیت کتاب عظیم آسمانی قرآن کریم روشن گشت.

استاد در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی برای تدریس به دانشگاه تهران دعوت شد. در همین دوره (۱۳۵۶-۱۳۳۴ هجری شمسی) بود که توانست که با تدریس و پژوهش و نگارش و سخنرانی در دانشگاه ها و مجامع مذهبی نیز و شناخت معارف جدید (و تطبیق و نقد آن آثار گرانها و نفیسی از خویشتن برای نسل امروز به یادگار گذارد. که نوعی رنسانس و احیاء تفکر دینی و اسلامی به شمار می آید.

وی در دوران سکونت در تهران نیز به موضوع تهذیب باطن و طهارت روحی و مراقبه و محاسبه، ذوق و علاقه خاص نشان می داد. اثبات این نکته را می توان با انس و الفت معنوی ایشان با عارف گرانقدر مرحوم آیت الله سید محمد حسین تهرانی (رضوان... تعالی علیه) در تهران دریافت و نیز در سفر وی در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی به عتبات عالیات (عراق) و ملاقات وی با حضرت امام خمینی (ره) در نجف و نیز دیدار با سید هاشم حداد عارف مقیم در کربلا کشف نمود. وی در معارف دین/به ویژه حکمت الهی از هوش و استعداد و ذوق سرشار برخوردار بود به طوری که اساتید خویش را تحت تاثیر قرار داده بود. او به حکمت مشاء و حکمت ذوقی و متعالیه تسلط دقیق داشت. و از برترین مدرسان حکمت بوعلی سینا و صدرالمتالهین در عصر خویش به شمار می آمد. با این وجود به خاطر ذوق و روحیه عرفانی و اشراقی حکمت ذوقی و اشراقی و متعالیه را بر حکمت مشائی ترجیح می داد.^۵

وی از شیفتگان و ارادتمندان صدرالمتالهین به شمار می آمد. بارها اشعاری را که حکیم الهی و اسلامی جناب میرداماد در وصف شاگرد برجسته خویش سروده بود، با خود زمزمه می کرد.

صدرا جاهت گرفت باج از گردون اقرار به بند گیت کرد افلاطون

در مکتب تحقیق نیامد چون تو یک سر ز گریبان طبیعت بیرون

شیخ مرتضی از آن جهت که دلبسته حکمت متعالیه بود. و نیز از آنجا که مانند شیخ اشراق و صدرالمتالهین علم لدنی/باطنی را یکی از مبانی معرفت و حکمت می دانست و نیز و حکمت متعالیه می دید جان حکمت را در عرفان می دانست از نظر او حکیم واقعی کسی بود که خورشید نور حقیقت را

لذا همراه با استدلال و برهان، کشف و ذوق اشراقی و کشفی با چشم دل مشاهده می‌کرد و نیز الهامات غیبی را برای دریافت اسرار و حقایق هستی لازم می‌دانست. وی تحصیل علوم و معارف ظاهری را برای رسیدن به نور معرفت کافی نمی‌دانست بلکه علم باطنی سیر و سلوک عرفانی/تهذیب روحی و عقلانی را نیز برای دریافت انوار و الهامات و نیز شهود حقیقت در جان حکیم، لازم می‌دید.

وی ادبیات عرفانی، فارسی و عربی را به ویژه اشعار حافظ و مولانا و ابن فارض را برای معرفت بهتر حکمت ذوقی به ویژه حکمت متعالیه (صدرالمطالین) و عرفان محی الدین عربی ضروری می‌دید.

بخاطر همین بینش بود که وی در کنار (تهذیب باطنی و مراقبات روحی) به گریه‌ها و مناجات و سوز و گذارهای سحری در سکوت شب/مداومت تام داشت و این غزل حافظ بر لبانش جاری بود که:

قدر مجموعه گل، مرغ سحر داند و بس نه هر کو ورقی خواند معانی دانست

سخن نهائی

در سال‌های اواخر عمر خویش حکیم شهید حکمت متعالیه عرفان^۱ را درهمنشینی و صحبت قرآن کریم و اهل بیت (ع) قرار داده بود. وی آنچه را که از قرآن کریم تلاوت می‌نمود، حال صرفاً با تفکر و تدبیر نمی‌یافت. بلکه نور وحی و قرآن را در باطن خویش احساس می‌نمود، گویی آیات این کتاب آسمانی بر جان وی نازل شد. حال روح او با جان آیات نورانی قرآن و جان رسول خدا(ص) و اهل بیت (ع) پیوندی عمیق داشت. او قبل از آنکه سر و تن خویش را در راه حق خون آلود کند، با جان قدسی خویش در عالم رویا به لقاء خدا و رسولش نایل گشته بود. وی از همان شراب عشق و مستی سیراب شده بود که قرآن در سوره مبارک انسان آیه ۲۲ «وَسَقَاهُمْ رَبِّهِمْ شَرَابًا طَهُورًا» به آن اشاره نموده است و با الهام از کلام امام صادق (ع) آن شرابی، است که انسان را دلباخته و بی‌قرار حق نماید و عقل را از هستی ساقط نماید و درون انسان را از هر چه رنگ غیر خداست پاک نماید و چنانچه لسان الغیب حافظ نیز در دیوان آسمانی خویش بدان اشاره نموده است:

نهادم عقل را ره توشه از می ز شهر هستیش کردم روانه
نگار می فروشم عشوه ای داد که ایمن گشتم از مکر زمانه

پی‌نوشت‌ها

- ۱- حضرت امام خمینی ره در تقریرات خویش بر (فصوص الحکم محی الدین عربی) که به این نکته اشاره دارند که صفای سیر ضمیر و باطن از ویژگی‌های دوران کودکی است روح کودکان به خاطر همین خصوصیات فطری و درونی از جهت سیر روحی نسبت به حضرت حق از درجه قرب برخوردار است لذا دعای آنان سریع تر اجابت می‌شود.
- ۲- این موضوع را می‌توان از تأثرات روحی استادانش در شهادت وی دریافت و یا از کلمات حضرت امام خمینی (ره) در فقدانش بدست آورد یا از مصاحبه‌ای که با حضرت استاد علامه طباطبایی بعد از فراق شاگردش با وی شد دریافت.
- ۳- مرتضی مطهری مقدمه (سیری در نهج البلاغه) انتشارات صدرا-تهران
- ۴- نظام حقوق در اسلام- خدمات متقابل اسلام و ایران عدل الهی مجموعه آثار (۴) مجموعه آثار (۶) و حماسه حسینی، سیره نبوی، شرح مبسوط منظومه و غیره
- ۵- صدرا المتألهین در اوایل الهیات اسفار می‌فرماید: برای قبول حکمت و نور معرفت شرایطی لازم است مانند: شرح صدر، سلامت و طهارت روح، هوش و استعداد و ذوق حکمی همراه با ذوق کشفی و وجدانی. غیر از آن الطاف الهی نیز بایستی طالب حکمت را یاری کند و نور الهی در قلب او پرتو افکند و او را به طریق حکمت عالی رهنمون گردد. (شرح بدایه الحکمه جلد ۱ علی ربانی گلپایگانی)
- ۶- امر ذوقی و وجدانی از این جهت که از طریق علم حضوری دریافت می‌شود نیاز به تعریف ندارد. از نظر حکمای اسلامی و حتی فلاسفه غرب نیز امروزه این نکته مسلم است که دریافت حقیقت و ادراک آن از طریق جان انجام می‌گیرد نه از طریق تصورات و مفاهیم ذهنی.

منابع

- ۱- یادنامه (استاد شهید مطهری) بمناسبت ششمین سالگرد شهادت استاد (نشریه حزب جمهوری اسلامی) "مجموعه مقالات" مصاحبه/با استاد جوادی آملی تهران ۱۳۶۵ هجری شمسی
- ۲- انس/ و پیوند/عاطفی/او حشر و نشر با پدر و مراد خویش بویژه در دوره‌ی اواخر عمر و درک حضوری و شهودی او.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی